



نقش فرهنگ شهروندی در مدیریت مصرف آب شهر اصفهان

فهرست مطالب

عنوان	۱- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
مقدمه / بیان موضوع	۲- ۱
ضرورت اجرای طرح	۳- ۱
اهداف طرح	۴- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
هدف اصلی	۴-۱- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
اهداف کلی طرح	۴-۲- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
اهداف اختصاصی طرح	۴-۳- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
مخاطبان طرح	۵- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
مختصات طرح	۶- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
خلاصه‌ی طرح	۶-۱- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
اطلاعات کلی	۶-۲- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
دستاوردها و نتایج کاربردی طرح	۷- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
نتایج تحقق اهداف طرح	۷-۱- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
فواید اجرای طرح	۷-۲- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
مشکلات و موانع احتمالی	۸- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
تاریخ شروع و خاتمه طرح	۹- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
روش اجرای طرح	۱۰- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
کلیات فرایند طرح	۱۰-۱- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
سرفصل‌های برنامه‌ی اجرایی	۱۰-۲- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.



۱۱- زمان بندی اجرای طرح ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱۱-۱- زمان بندی سرفصل های برنامه ی اجرایی ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱۱-۲- زمان بندی موضوعی برنامه ی اجرایی ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱۲-۱- کلیات فرایند طرح ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱۲-۲- سرفصل های برنامه ی اجرایی ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

۱۲-۳- تفکیک سرفصل های برنامه ی اجرایی ----- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

بیان موضوع

با آغاز عصر فناوری و صنعت از اوائل قرن هفدهم میلادی توسعه شهرها به یک ضرورت غیر قابل اجتناب مبدل شد. شهرنشینی و تمرکز جمعیت در کلان شهر به تدریج فرایندی جهان شمول گردید و ترکیب جمعیتی شهری و روستایی روندی معکوس را آغاز نمود. به طوری که شهرنشینی در اوائل قرن بیست و یکم بیشتر از ۷۰ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه را در برمی گیرد. روند فزاینده شهرنشینی منجر به فشار فوق العاده بر منابع طبیعی تجدید پذیر و غیر قابل تجدید پذیر شده است. در این بین منابع آبی بیشترین لطمه را از رشد تکنولوژی و حرص و ولع مهار ناپذیر آدمی برای مصرف هر چه بیشتر را دیده اند. منابع آبی به شدت در معرض تهدید قرار گرفته اند و کل ماهیت وجودی بشر را با خطر مواجه کردند. برای مهار بحران جهانی آب با توجه به تمرکز جمعیت در شهرها باید به فرهنگ شهروندی توجه ویژه شود.

فرهنگ شهروندی، یک مبحث صرفاً فرهنگی نیست، بلکه مقوله‌ای چند وجهی است که رد پای تأثیر و تأثرات آن را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... مشخص است. در خصوص ارتقا فرهنگ شهروندی باید تمامی ابعاد را مد نظر قرار داد. باید با استفاده از ابزارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی تلاش نماییم بسترهای توسعه فرهنگ شهروندی مهیا شود تا با امکانات و منابع آبی موجود بتوان از مسیر چالش های پیش رو به سلامت گذر نمود.

ضرورت مساله

شهروندی غالباً به معنای قدرت بخشی و توانمندسازی اعضای جامعه و برخورداری آنها از حق رأی، تصدی مناصب سیاسی، بهره‌مندی از برابری در برابر قانون و استحقاق برخورداری از مزایا و خدمات مختلف حکومتی قلمداد می شود. علاوه بر این، شهروند بودن مستلزم داشتن تعهداتی همانند پیروی از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور بوده است. درواقع، شهروندی سازوکاری برای تخصیص حقوق و مطالبات اعضای جامعه است که در نگرش رایج بیشتر در ارتباط با مفهوم دولت معنا یافته است. بنابراین، در میانه دولت - شهر عصر کلاسیک و دولت - ملت مدرن، مفهوم شهروندی از طریق مفاهیمی که در درون نهادها و تأسیسات جدید پدید



آمده‌اند، معنا یافته است و حقوق شهروندی مختص آن‌هایی دانسته شده که در یک جامعه سیاسی با ابعاد ملی زندگی می‌کنند.

حقوق شهروندی ارتباط پیوسته‌ای با مفهوم شهرنشینی مدرن دارد. شهر اصفهان با گذر از تنگناها و گذر گاه‌های تاریخی روند مدرن‌سازی را تجربه می‌کند. در شهر اصفهان عناصر فرهنگی ارتباط خاصی با مدرنیزاسیون پیدا کرده‌اند و اقدامات فرهنگی درخصوص مدیریت مصرف با استفاده از نظریه‌های نوین شهروندی و بسط آن در جامعه مدنی و اتحاد جمعیتی اصفهان میسر می‌شود.

اصفهان در بعد جغرافیای تاریخی به لحاظ واقع شدن در مرکز جغرافیایی ایران و با داشتن آب و هوایی معتدل و خاکی حاصلخیز و آب کافی زاینده رود از دیرباز به عنوان مکانی برای سکونت، مورد توجه بوده است.

پس از گذشت ۴ قرن از شکوه و جلال اصفهان عصر صفوی باردیگر شهر اصفهان به یک مرکز فرهنگی و هنری در سطح کشور تبدیل شده است. اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن ایران اسلامی شناخته شده و بررسی فرهنگ شهروندی در اصفهان ضرورت اساسی است. برای پایدار ماندن عظمت اصفهان با توجه به بحران‌های اقلیمی و به خصوص وضعیت پیچیده و بغرنج آب، نگاه فرهنگی شهروندی باید با تمام قوا در اصفهان دنبال شود و این مقاله پاسخی بسیار خلاصه به این دغدغه فرهنگی در شهر اصفهان است.

روش شناسی تحقیق

مطالعات توصیفی برعکس تحقیقات تاریخی در مورد زمان حال به بررسی می‌پردازد. این نوع تحقیق به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد این گونه تحقیق وضعیت کنونی پدیده یا موضوعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد در این تحقیق نه فرضیه‌ای ارائه می‌شود و نه مطالعات تاریخی گسترده. تحقیق حاضر نیز رویکردی است توصیفی که به مطالعه اجمالی شرایط فرهنگی شهر اصفهان و ارتباط آن با میزان مصرف آب می‌پردازد. در این فضای توصیفی شرایط حال حاضر منابع آبی و فضای فرهنگی جامعه اصفهان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنیان‌های نظری شهروندی فرهنگی



نظریه شهروندی فرهنگی ناظر و متکی بر چند واقعیت اجتماعی زیر است که می‌توان آنها را ابعاد فرهنگی شهروندی نیز دانست: شهروندی یک سازه اجتماعی است، در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی جامعه خود است. از اینرو، با توجه به تنوع و تفاوت فرهنگ‌ها ما با معانی فرهنگی متفاوتی از شهروندی مواجه هستیم.

شهروندی مفهومی پویاست. از اینرو، با توجه به تحولات تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، معنا و مفهوم شهروندی نیز دگرگون می‌شود.

تحولات چند دهه اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. از اینرو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است.

افراد یا شهروندان علاوه بر نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مجموعه‌ای از "نیازهای فرهنگی" نیز دارند. نیازهای مربوط به خلاقیت و خودشکوفایی و نیازهای فراغت و لذت از جمله این نیازهاست. مفاهیم شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند تمام نیازهای فرهنگی افراد را پوشش دهد.

فرهنگ در جوامع انسانی در بعد مادی و معنوی با توجه به کارکردها و کاربردها، معانی متفاوتی به خود گرفته است. فرهنگ شهروندی مانند سایر عناصر فرهنگ با توجه به موقعیت، کارکرد یا وظیفه اجتماعی است که در واقع هنگامی از یک عنصر در فرهنگ یک جامعه در زبان عام صحبت می‌شود این مسئله لزوماً نه مثبت است و نه منفی، بلکه بیشتر باید به سازو کارها و شرایط شکل‌گیری و تحول، زوال و نابودی آن پدیده تأکید می‌گردد. پس هنگامی که «صحبت از فرهنگ شهروندی می‌شود بیشتر به نوعی رابطه آن را با سایر پدیده فرهنگی و اجتماعی توجه می‌کنیم. شهروندی یعنی روابط قرار دادی میان آن‌ها می‌تواند این حُسن را در بر داشته باشد، که تعدادی از مردم متوجه مباحث مطرح شده بشوند و بتوانند با توصیه‌های که برای مثال در زمینه‌های اخلاقی یا حتی رعایت حقوق و استفاده درست از فناوری‌ها شهری می‌شود خود را منطبق کنند.» (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲)

شهروندی از مفاهیم کلیدی در شناخت و توصیف جایگاه و وضعیت انسان امروزی است. می‌توان به درستی نشان داد آنچه انسان معاصر را از انسان در قرون گذشته متمایز می‌سازد هویت شهروندی اوست. اما این مفهوم که اکنون سابقه‌ای چند قرن دارد تحت تأثیر و به تبع تحولات



اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که بشر تجربه کرده، دستخوش تحولات معنایی شده است. اغلب محققان بر این نکته تأکید دارند که شهروندی در کشورها و دوره های تاریخی مختلف معانی متفاوتی داشته است. تی. م. مارشال که از پیشگامان معاصر نظریه شهروندی است در کتاب طبقه، شهروندی و توسعه ی اجتماعی شهروندی را در رویکردی تکاملی و تاریخی به سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می کند. حقوق مدنی یا قانونی (مانند حقوق مربوط به اموال و دارایی های فردی) در قرن هفدهم در واکنش به حاکمیت مطلقه پادشاهی شکل گرفت و در چارچوب دادگاه های حقوقی و حق قانونی داشتن دادگاه عادلانه برای تک تک افراد نهاده شد. سپس در قرون هجده و نوزده شهروندی سیاسی در بستر توسعه ی دموکراسی پارلمانی ظاهر شد. مطابق حقوق شهروندی سیاسی، افراد حق رأی و حق مشارکت در سازمان های دولتی را پیدا کردند. این حقوق در چارچوب نظام سیاسی رقابت حزبی شکل گرفت. در قرن بیستم حقوق اجتماعی شهروندی مانند: حق بیمه ی بیکاری، تامین امکانات بهداشتی و درمان و دسترسی به آموزش در بستر دولت رفاه شکل گرفت و توسعه یافت.

همچنین در سنت های فرهنگی و اجتماعی مختلف گونه های مختلفی از شهروندی وجود دارد. تی. ام. مارشال در مطالعه ای متأخرتر در کتاب «شهروندی و طبقه اجتماعی» (۱۹۹۲) با بررسی تضادهای نهفته در شکل بندی ها و صورت های سرمایه داری و طبقه اجتماعی در بریتانیا توضیح می دهد که مفهوم شهروندی در این کشور با موضوع طبقه اجتماعی عجین شده است.

بریان ترنر در یک بررسی توضیح می دهد که در فرانسه یا آمریکا نوعی سنت شهروندی فعال وجود دارد. اما در بسیاری کشورهای دیگر که نگاه دولتی از بالا به پایین به شهروندی حاکم است نوعی شهروندی منفعل شکل گرفته است. ترنر همچنین توضیح می دهد که با توجه به تمایزی که بین عرصه ی خصوصی و عمومی وجود دارد و میزان تأکید بر آن می توان تلقی های متفاوتی از شهروندی در سنت های فرهنگی و اجتماعی متفاوت مشاهده کرد. در سنت غربی شهروندی عمدتاً بر اساس چگونگی منزلت فرد و همچنین عضویت در شهر شکل گرفته است. همانطور که برای مثال، در فرانسه مفهوم شهروندی بیشتر بر اساس نحوه ی رابطه ی فرد با شهر تعریف شده است. اما در سنت انگلیسی تأکید بیشتر بر فرایندهای مدنی و منزلت فرد است. اما از طرف دیگر، در سنت آلمانی شهروندی با ایده ی جامعه ی مدنی گره خورده است. یعنی دولت وظیفه دارد به حمایت از فرد برای ورود به عرصه ی عمومی و رقابت و مبارزه ی اقتصادی



پیردازد. در این سنت، شهروند یک بورژواست و بورژاوی به مثابه یک گروه منزلتی خاص در پیوند دولت با کلیسا قرار دارد و تلاش می کند تا از طریق نظام آموزش به تربیت یک شخصیت بورژوازی طبقه متوسط پیردازد. با توجه به این تفاوتها در سنت های شهروندی برایان ترنر نتیجه می گیرد که یک نظریه ی واحد برای شهروندی نامناسب است و شهروندی تحت شرایط مدرنیزاسیون سیاسی و اجتماعی متفاوت شکل گرفته و توسعه یافته است (ترنر ۹-۱۲: ۱۹۹۳). به اعتقاد ترنر شهروندی با مدرنیزاسیون مرتبط است از این رو نیروهای حامی مدرنیزاسیون توسعه دهنده ی شهروندی هستند.

نکته اساسی دیگر در تبیین بعد فرهنگی شهروندی این است که نمی توان شهروندی را صرفا از منظر حقوقی و قانون یا صرفا از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد. همانطور که فالكس می گوید شهروندی یک مفهوم پویا است که برای تامین واقعی اش باید به فراسوی دولت بسط یابد (فالكس ۵۸:۱۳۸۱). باید توجه داشت که توجه به ابعاد فراسوی حقوق شهروندی به معنای انکار یا کاستن اهمیت جنبه های حقوقی آن نیست زیرا این ابعاد حقوقی همواره اهمیت دارند زیرا همانطور که ترنر استدلال می کند: در هر حال، «شهروندی مجموعه ای از حقوق و وظایف است که به نحو رسمی وضعیت قانونی یک فرد در یک دولت و جامعه سیاسی معین را تعیین می کند. این وضعیت قانونی رسمی است و اهمیت دارد زیرا بر مبنای این پایه حقوقی است که شهروند مدعی حق برخورداری و دسترسی به منابع ملی می شود» این تلقی حقوقی از شهروندی ریشه در تحولات خاص دوره مدرن دارد.

ترنر می نویسد: ظهور دولت- ملت های مدرن و شهرهای مستقل منشا پیدایش شهروندی است. از این رو کسانی که خارج از دولت- ملت و شهر قرار گیرند از حقوق شهروندی برخوردار نمی شوند (ترنر، ۱۴:۱۹۹۳) در واقع یکی از مشکل مفهوم حقوقی شهروندی نیز مربوط به کسانی است که در جامعه زندگی می کنند اما نمی توانند مشمول این حقوق شوند.

همچنین می توان از رویکردی که آنتونیو گرامشی هنگام تشریح انتقادی مفهوم هژمونی یا استیلا و نقش فرهنگ مطرح می سازد برای تبیین شهروندی درک و تحلیل آن فراسوی جنبه های صرف حقوقی استفاده کرد. گرامشی با تفکیک حوزه ی فرهنگ از سیاست بین جامعه ی سیاسی (حکومت) و جامعه ی مدنی تمیز قائل می شود و معتقد است که حکومت ها برای تسریع



مشروعیت خود و دستیابی به اجماع عمومی باید اهتمام خود را روی ارزش های فرهنگی، آداب، سنت ها، احساس و شعور مشترک مردم متمرکز کنند. به عبارتی دیگر قدرت مشروع و اقتدار سیاسی از بستر مدنیت بر می خیزد و نه از طریق اعمال فشار، اجبار و زور عریان. زیرا که در جامعه ی مدنی است که جهان بینی ها، فلسفه ها و تمام فعالیت های فکری و معنوی آشکار و تلویحی بشر متبلور می شود و در نتیجه ی تداوم و استحکام آنها، توافق و اجماع اجتماعی پدید می آید. در این دستگاه فکری هنگامی که جامعه ی سیاسی (حکومت) همه چیز از زیر سلطه و سیطره ی خود می گیرد، جامعه ی مدنی در صورت ابتدایی و ژله مانند باقی می ماند. (کاظمی ۱۳۸۰: ۱۲۹).

شکل گیری هویت فرهنگ شهروندی

در حوزه شکل گیری هویت فرهنگی شهروندی باید اشاره به یکسری از نهاد های اجتماعی کرد، این پدیده به خودی خود بر اساس تجمع افراد در کنار یکدیگر بوجود نمی آید. نهاد های اجتماعی چون رسانه ها و مطبوعات، تأمین اجتماعی، انتخابات، انجمن های داوطلبانه مردمی در سطح ملی، منطقه ای و محلی، مدیریت شهری، آموزش و پرورش، نهاد های فرهنگی، سازمان های جامعه (با توجه به کارکرد هایشان)، مراکز و موسسات دینی، احزاب سیاسی و... در شکل گیری ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی با توجه به فعالیت هایشان در شهر اثر گذارند. برای اینکه افراد به عنوان شهروند و شهروند فرهنگی در شهر شناخته شوند، نیاز مند این است که در نهادهای جامعه مدنی عضویت داشته باشند و در ساختن هویت فرهنگ شهروندی خود مشارکت همه جانبه برپا نمایند؛ و ارتباط مستمری با نهادهای مدنی برقرار کنند. این نوع عضویت ها در جامعه منجر به اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری مدنی شهروندان خواهد گردید، به نوعی این پیامد با خود همبستگی اجتماعی جدیدی حاصل می کند که لازمه زندگی در شهر های بزرگ است.

در شکل گیری این هویت، شهروندان تفاوت ها و تنوع های نگرش فرهنگی را از طریق آموزش مستمر می پذیرند، و به حقوق دیگران احترام می گذارند و آن را وظیفه خود نسبت به دیگران قلمداد می کنند، و به منافع و علایق دیگران احترام گذاشته و مورد توجه قرار می دهند؛ همچنین اطاعت از قواعد مشترک اجتماعی و فرهنگی را تمرین می کنند، و در نهایت رفتار مردم سالارانه و مشارکتی را در امور شهری در زندگی اجتماعی و رفتار شهروندی خود نهادینه می کنند.



پایبندی به اخلاق و سلوک شهروندی، در واقع نوعی تمرین دموکراسی است که در فرهنگ شهروندی باید به آن اهمیت بسیاری داد. در واقع این تمرین مشارکتی و مردم سالارانه با اطرافیان و اعضای نهاد های مدنی و انجمن های داوطلبانه و... شکل می گیرد؛ تا افراد در نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه به عضویت در نیایند و مشارکت نداشته باشند، رفتار های مردم سالارانه هویت فرهنگ شهروندی شکل نمی گیرد، حتی لازمه تحقق دموکراسی در سطح حاکمیت نظام اجتماعی از طریق مشارکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهروندان در انجمن های داوطلبانه شکل می گیرد.

شهروندی فرهنگی این است که در درجه اول حضور مستمر شهروندانی که با او متمایز هستند را در یک مجموعه شهری بپذیرد؛ و با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان جامعه آشنا شود؛ و برای کسب آن مبارزه کند. از قواعد اجتماعی پیروی کند، و منافع جمعی را بر منافع و علایق فردی ترجیح دهد. هنگامی که چنین شهروندی نسبت به اجتماع خود و امکانات عمومی احساس مسئولیت کند و در حفظ و استمرار آن کوشا باشند، و با دستگاه های اجرایی و بورکراسی حاکم بر جامعه همکاری و مشارکت نماید و از دولت و سازمان های رسمی جامعه توقع امور ناممکن را نخواهد، و در یک رقابت سالم با سایر شهروندان، توسعه ملی و شهری خود را مد نظر داشته باشد، و رفاه و تأمین اجتماعی خود را منوط به عمل سایرین نداند، و با نژادها و اقلیت های مدنی همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد، و فاصله اجتماعی خود را بدون طرد و تحقیر شان با آن ها حفظ کند و ... تا یک شهروند فرهنگی محسوب گردد.

در مقابل وظایفی که برای شهروندان یک جامعه مدنی از بعد فرهنگی اشاره کردیم، حکومت که نماینده قدرت مدنی جامعه است و شهروندان جامعه قدرت خود را به آن تفویض کرده اند وظایفی دارد. «در برابر مسئولیت ها و تکالیفی که به عهده شهروندان می باشد، حکومت و سازمان های رسمی نیز به اجرای رعایت حقوق تعریف شده در قانون اساسی جامعه برای شهروندان ملزم می باشند. بخش از این حقوق به واسطه هویت انسانی که برای شهروندان قائل هستند شکل می گیرد، و بخش دیگر این حقوق به واسطه پیمان اجتماعی در قالب قانون اساسی و قوانین موضوعه آن وضع شده در نظر گرفته می شود. هیچ حکومتی نمی تواند حتی با وضع قوانین، حقوق مدنی و سیاسی افراد را نقض کنند، و حقوق اجتماعی آن ها که امروزه بخشی از حقوق شهروندی را تشکیل می دهد. به واسطه مالیات و عوارضی که شهروندان می پردازند، دولت را موظف به تأمین



نیاز های شهروندان و امکانات رفاهی مناسب برای زندگی آن ها می کند. الزام دولت ها به رعایت این حقوق به نحوی است که امروزه از آنها به عنوان دولت رفاه یاد می شود. در حکومت هایی که مردم نه تنها در انتخاب حاکمان، بلکه در انتخاب نمایندگان شوراهای شهر و شهرداران نیز نقش دارند، مسئولیت حکومت و افراد انتخاب شده برای تأمین خواسته های مردم جدی تر و پررنگ تر است، زیرا حمایت و دوام مسئولیت آن ها بستگی به رضایت مردم دارد. به همین دلیل آنها بیش از آنکه خود را در برابر دستگاه سیاسی و نظام اداری کشور مسئول ببینند، در برابر مردم. افکار عمومی پاسخگو هستند. (کوشا، ۱۳۸۷: ۳۰)

الزامات تحقق حقوق شهروندی

سیاست گذاری ها باید طوری باشد که اعضای جامعه احساس کنند سهم برابری از منافع و مزایای جمعی را دریافت می کنند و در درازمدت متضرر نخواهند شد. این مسئله که زمینه ساز تحقق عدالت اجتماعی می گردد، از طریق توزیع منصفانه منافع، رفع محرومیت های منطقه ای، پرهیز از تبعیض، شفاف سازی عرصه تصمیم گیری و ... حاصل می شود. برای عملی شدن عدالت اجتماعی باید دستورالعمل ها و قوانینی تدوین شود که بتواند ظرفیت های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد در این راستا مولفه های هویت فراگیر ملی را مد نظر داشت.

هراندازه که تعریف کارگزاران سیاسی و سیاست گذاران از هویت ملی فراگیرتر باشد، به همان میزان وفاداری ملی اقشار گوناگون جامعه به نظام سیاسی و تلاش برای حفظ و پاسداری از منافع ملی بیشتر خواهد بود چرا که تمام مردم ساکن در درون مرزهای ایران احساس می کنند که جایگاه مناسبی در کشور خود دارند و بر این باورند که در هیچ جایی دیگر نمی توانند چنین موقعیت و توجهی به دست آورند.

برجسته نمودن زمینه های پیوند و ائتلاف جمعی باید با بازخوانی تاریخ و میراث مشترک ایران بر عناصر هویتی مشترک پیگیری شود و با تأکید بر روایت ها و مراسم مورد اشتراک نظیر عید نوروز، جشن های ایام دهه فجر و پرهیز از طرح گفتارهای تعارض برانگیز زمینه های لازم برای عامل و همسویی افراد و گروه های اجتماعی فراهم شود.

دعوت از تمام نیروهای اجتماعی به پذیرش دیگری، ایجاد تعهد های فراگیر ملی، توسعه و تعمیق



رضایت شهروندان، گسترش خودآگاهی ملی، توسعه ظرفیت‌های مشارکت عمومی و سازمان‌دهی حقوقی مناسب و شایسته فعالیت‌های نهاده شده سیاسی در این زمینه با اهمیت است. هویت ملی در این معنا سه کارکرد اصلی یعنی افزایش قدرت انتخاب، امکان‌پذیری ارتباط با دیگران و اعطای نیرومندی و نرمش‌پذیری را به اجرا می‌گذارد. تلاش و برنامه‌ریزی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی و زدودن آثار بی‌اعتمادی سیاسی، اعتماد پیونددهنده اجزاء و عناصر اجتماع به یکدیگر و تسهیل‌کننده تبادلات و ضامن بقای جامعه است. اعتماد با ایجاد شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و قابلیت اتکا به افراد و گروه‌ها موجب انتظام و معاضدت جمعی می‌شود. دستیابی به چنین امری، از طریق برابری اجتماعی، رفع نگرش‌های بدبینانه، زدودن احساس ناامنی اجتماعی، تلطیف فضای سیاسی، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تأثیرگذاری افراد، تحقق ظرفیت‌های قانونی جهت تضمین آزادی، انتقادپذیری و تحمل‌پذیری سیاسی، پاسخگویی مسئولان و رفع شکاف‌ها و نابرابری‌های اقتصادی امکان‌پذیر است. نکته بسیار مهمی که می‌بایست به خاطر سپرد این است که همبستگی ملی به عنوان هدف سیاست‌گذاری‌های هویتی به معنای فراهم نمودن زمینه‌های ساختاری لازم برای احساس وحدت منافع و مسئولیت‌های جمعی مردمی است که برخوردار از تباری واحد، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی مشترک و پیوند با یک سرزمین تاریخی هستند (اسمیت ۱۳۷۷: ۱۸۸-۱۸۶).

تلاش مؤثر رسانه‌های دیداری و شنیداری و ارتقاء عملکرد رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون، به مثابه یکی از ابزارهای مؤثر در راستای آشنایی شهروندان با حقوق و تکالیف خود، فهم‌پذیر و درونی کردن معیارهای اصیل فرهنگ اسلامی در حوزه حقوق شهروندی و تمایز آن با مکاتب غربی و تلاش برای مسئولیت‌پذیری قانونی در عین مطالبه حقوق شهروندی (متوازن کردن حقوق و مسئولیت‌ها).

مصرف آب و حقوق شهروندی

بر طبق نظریه مارشال استفاده از آب برای شهروندان یک ضرورت بنیادین است. در بحث حقوق مدنی شهروندان می‌توانند با مالکیت بر منابع آبی در اراضی خود و یا خرید آب بر این مایه حیات اعمال حاکمیت کنند. لذا بهره‌گیری از آب یک حق مدنی است که برای همه افراد یک کشور در نظر گرفته شده است.



در خصوص حق سیاسی آب نیز باید گفت جنبه سیاسی آب نیز پررنگ است و حق سیاسی آب شامل مشارکت شهروندان در احداث منابع آبی، سرمایه گذاری در منابع آبی، استفاده از منابع آبی و ... است. اما مهمترین و بارزترین حقوق برای آب، شاخص حقوق شهروندی آب است. حق شهروندی آب به ساختار دولت رفاه باز می گردد. دولت رفاه وظیفه تامین آب بهداشتی و سالم را برعهده دارد. آب بهداشتی سالم و در دسترس مهم ترین حق شهروندی مردم از متولیان، سیاست گذاران و در یک کلام دولت می باشد. آب چون به حیات بشری و زندگی انسان ها گره خورده است در شمار مهم ترین حقوق شهروندی در جوامع انسانی محسوب می شود.

در نظریه ترنر نیز با تاکید بر شهروندی فعال که در بستر مدرنیزاسیون بوجود می آید می توان به سهولت ارتباط حقوق شهروندی و آب را مشخص کرد. شهروند فعال در تمامی عرصه های اجتماعی حضور فعالی دارد و این حضور بنابه اهمیت ذاتی آب نیز باید پررنگ باشد. لذا شهروند فعال باید با حساسیت بر نحوه تولید، استحصال و مصرف آب از طریق روش های مستقیم و غیر مستقیم نظارت داشته باشد تا تامین آب شهروندان به بهترین شکل ممکن انجام گردد.

در نظریه گرامشی نیز جامعه مدنی تجلی گر حقوق شهروندی است. شهروندی در سایه جامعه مدنی معنی می یابد. جامعه مدنی جامعه ای است که فارغ از فضای بورکراتیک، الزامات حاکمیتی و سیاسی تنها در عرصه فعالیت های اجتماعی و فرهنگی تک تک افراد جامعه شکل می گیرد. جامعه مدنی بر ایند نظرات، سلیقه ها و خواسته های مردمی است. جامعه مدنی در حوزه آب نیز بسیار اثرگذار است. تشکلهای، نهادها و انجمن های داوطلبانه در شرایط حاضر بسیار در بخش حمایت از منابع آبی و ترویج فرهنگ مدیریت مصرف مهم می باشند.

وضعیت آب در اصفهان

در چهار دهه اخیر میزان بارندگی در اصفهان ۳۹ درصد کاهش یافته است. این کاهش بیانگر آن است که شرایط اقلیمی اصفهان به سمت خشکی پیش می رود. بیابانی شدن اصفهان عوارض جدی و خطرناکی بر مفهوم شهروندی دارد. حیات شهروندان منوط به آب است و حقوق شهروندی در صورتی نمود می یابد که شهروندی وجود داشته باشد. اصفهان به غیر از تداوم خشکسالی و بارش کم با مصرف بی رویه منابع آبی نیز در سال های گذشته نیز مواجه بوده است. افزایش بی رویه چاه های عمیق حفر شده منابع زیر زمینی آب را به شدت کاهش داده است. اگر



شرایط خشکسالی و کمبود آب به وضعیت بحران برسد با موج مهاجرتی روبرو خواهیم شد که شاخص شهروندی مفهوم و معنای خود را از دست خواهد داد.

با افزایش حساسیت شهروندان و مطالبه حقوق شهروندی و اقدامات عملی و فنی نهادهای متولی آب در اصفهان و نگاه واقع گرایانه مردم به منابع آبی، سرانه مصرف آب خانگی در استان اصفهان به ۱۵۳ لیتر برای هر نفر در شبانه روز تقلیل یافته است، در سال ۸۷ این رقم برای هر نفر ۱۸۰ لیتر بود اما با وجود افزایش ۳۰ هزار انشعاب در استان این رقم کاهش یافته است، البته براساس استانداردهای تعریف شده در کشور، این سرانه برای هر نفر در شبانه روز ۱۵۰ لیتر در کشور بود که با تغییر معیارهای آن به ۱۳۰ لیتر کاهش یافته است. در شهر اصفهان ارتقا فرهنگ شهروندی باعث شده است ۸۳,۷ درصد مشترکان بخش خانگی بین صفر تا ۲۰ متر مکعب، ۱۵,۴ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ متر مکعب و ۰,۹ درصد مشترکین بالای ۴۰ متر مکعب آب مصرف کنند.

راهکارهای تقویت فرهنگ شهروندی مصرف آب در اصفهان

آموزش شهروندی یکی از الزاماتی است که باید به طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه های آموزشی و یا به طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی به شهروندان آموزش داده شود و در نتیجه افراد دریابند که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. مبنای این آموزش ها باید بیش از آن که پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی باشد، باید به آنان بیاموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. با توجه به فرایند گذار از سنت به مدرنیته باید بر اساس مؤلفه های درونی فرهنگ شهروندی را با توجه به تجربیات و سوابق فرایند فرهنگی سایر جوامع در این زمینه، پایه های فرهنگ شهروندی را تقویت کرد.

برای اینکه فرهنگ شهروندی در اذهان شهروندان نهایی گردد، باید همراه با استفاده از آموزه های دینی و اخلاقی که پایه های قدرتمند فرهنگی را در بین شهروندان دارد، آن را استوار ساخت. باید آموزه های فرهنگی و دینی را برای شهروندان در سطح جامعه با نیاز های متفاوت زیستی هر گروه به صورت رویکرد های بلند مدت و کوتاه مدت برنامه ریزی کرد. این ضرورت باز آموزی تعالیم اخلاقی و فرهنگی شهروندی در حوزه انسان شناسی و جامعه شناسی شهری از



طریق برنامه ریزی های علمی و فرهنگی در طی سال به طور مستمر در قالب هم اندیشی ها، همایش ها، کارگاه های آموزشی و علمی، انتشارات و برنامه های آگاه سازی و... ایجاد کرد. فراهم آوردن بستر های مناسب برای تداخل و ادغام جماعت های شهروندی و تلاش در جهت همگرایی این جماعت ها و جلوگیری از تنش و تشتت آراء این جماعت ها با یکدیگر.

با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع قومی و فرهنگی برخوردارست، و با نظر به اینکه شهروندی یک سازه اجتماعی و فرهنگی است، باید بستر اجتماعی و فرهنگی این پدیده را با رویکرد های ارزشی، بومی و محلی آن خرده فرهنگ متناسب کرد. با توجه به تحولات تکنولوژی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ شهروندی را پدیده ای پویا و دگرگون متناسب با شرایط حاضر جامعه مورد بازبینی و باز تولید فرهنگی قرار داده ارائه یک تعریف جامعه تر از شهروندی که بیشتر معطوف به ابعاد حقوقی و وظایف دولت و شهروندان نشود، و به سمت یک فراسوی فرهنگی فراتر از رابطه حقوقی تعریف شهروندی سوق یابد. در شهرها باید بنیان های فرهنگ شهروندی اعم از مساوات طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری، مسئولیت پذیری مدنی و مشارکت عمومی را در شهر ها مورد حمایت از سوی مدیریت شهری قرار داد. باید در کنار حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی شهروندان، حقوق فرهنگی شهروندان که همان تأمین حق و نیاز های فرهنگی شهروندان است در شهر ها مورد برنامه ریزی و توجه قرار دهیم. با توجه به اینکه در دهه های اخیر در جامعه، فرهنگی شدن عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رواج پیدا کرده است باید عرصه فرهنگی شدن شهروندی را امری ضروری، اجباری و اجتناب ناپذیر در شهر ها دانست که مورد اهتمام و توجه کامل مدیران شهری قرار داد.

باید برای اینکه فرهنگ شهروندان را پویا نگهداشت، پس لازم است شهروندی فعال داشته باشیم، که این امر از مؤلفه ها و معنای شهروندی برخاسته و با ملاحظه همه جانبه از فرهنگ شهروندان باشد؛ نه بر پایه حقوقی، بلکه برپایه آرمان ها ایدئولوژیک اسلامی و ایرانی باید بررسی و اجراء کرد.

باید در شهر ها علاوه بر نیاز های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی شهروندان توجه عمیق به نیاز های فرهنگی شهروندان کرد. این نیازها همان خلاقیت، خودشکوفایی، نیاز های فراغت و لذت و... نمونه هایی از این نیازهاست.



بهره مندی از نظریات رسانه ای مبتنی بر بسط و گسترش اطلاعات، دموکراتیزه شدن رسانه ها، دانش محور شدن جوامع شهری، افزایش و انباشت و سرعت مبادله اطلاعات و امکان تمرکز زدایی از تولید، توزیع و مصرف آن ها در افزایش فرهنگ شهروندی به صورت عدم تمرکز گرایی در قالب فرهنگ شهروندی منطقه ای و محلی سپس ملی.

نیاز به ایجاد رابطه مفهوم شهروندی فرهنگی با شهروندی جهانی در جهت همگرایی و انسجام اجتماعی انسانی

نیاز به بسط مردم سالاری فرهنگی برای گسترش فرهنگ شهروندی و پرهیز از مشکلات شهروندی چون (فردی شدن شهروندی بین الاذهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی، ملی، و محلی شدن شهروندان باز تولید و تغییر شهروندی در بستر های مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه ای و جهانی شدن و...). نمونه ای از راهکارهای فرهنگی برای تقویت و گسترش فرهنگ شهروندی در جامعه خودمان می باشد.

منابع:

کوشا، محمد مهدی، ۱۳۸۷، دانستنی های سیاست (شهروندی)، تهران، انتشارات دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.

فکوهی، ناصر، ۱۳۸۷، مفاهیم کلیدی شهروند و فرهنگ شهروندی در ایران، تهران، دیمه

۱۳۸۷، روزنامه سرمایه